مروری بر آغاز تا پایان مرحله اول بحران کردستان (۲۲ بهمن ۵۷ - ۲۷مرداد ۵۸)

روایت یک بحران از نقده تا پاوه

تنها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ توطئه و حوادث مختلفی در اندازه‌های نقطه‌ای، محلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با دخالت مستقیم و آشکار بیگانگان با چاشنی‌های صنفی، قومی، مذهبی و سیاسی علیه آرمان‌ها و ارزش‌های نظام نوپای انقلاب اسلامی به‌وقوع پیوست، اما در بین همه این بحران‌ها و فتنه‌ها، «قصه پر غصه کردستان» دارای ویژگی‌های خاصی است. از جمله آن می‌توان به طولانی بودن، تلفات بسیار و آسیب دیدن جدی جمعیت خودی اشاره کرد. در این فرصت به بررسی اجمالی مرحله اول بحران کردستان از ۲۲ بهمن سال ۵۷ تا ۲۷ مردادماه ۵۸ و واقعه پاوه می‌پردازیم.

سقوط پادگان مهاباد

حزب دموکرات کردستان در ۲۴بهمن ۱۳۵۷، تنها دو روز بعد از پیروزی انقلاب ادعای خودمختاری و جدایی‌طلبی از ایران را طرح کرد. عبدالرحمن قاسملو (فارغ‌التحصیل دانشگاه پراگ چکسلواکی) و غنی بلوریان دو نفر از رهبران گروهک مائوئیستی دموکرات از مرزهای غربی وارد کشور شدند و به دنبال اجرای طرح جدایی کردستان و تشکیل جامعه سوسیالیستی بر اساس تفکر جدایی دین از سیاست بودند. از همان ۲۴ بهمن ماه حملات عناصر مسلح وابسته به این گروهک به مراکز نظامی، پاسگاه‌های ژاندارمری و سازمان‌های دولتی منطقه آغاز شد، لذا هیئتی از سوی دولت موقت در روز ۳۰ بهمن ۵۷ برای مذاکره با رهبران این حزب عازم مهاباد شدند. اما فردای روز مذاکره، پادگان تیپ ۲ لشکر ۶۴ارومیه در مهاباد به دست حزب دموکرات سقوط کرد و تمام سلاح‌ها و مهمات آن از جمله ۱۸ دستگاه تانک، ۳۶ قبضه توپ سنگین و هزاران قطعه سلاح از پادگان خارج شد و سپس پادگان را آتش زدند.

روزنامه اطلاعات در دوم اسفند ۱۳۵۷ خود می‌نویسد: «افراد مسلح که خواهان خودمختاری هستند با تشکیل کمیته مشترک سربازان انقلاب و رزمندگان کُرد، اداره امور پادگان‌های پیرانشهر و پاوه در نزدیکی مهاباد را به دست گرفتند.» (ضمناً مواضع و عملکرد هیئت تحریریه و گروه خبرنگاران روزنامه اطلاعات حداقل تا آخر سال ۵۸ به شدت مشکوک بود!)

در همین زمان امریکایی‌ها نیز ضمن پیگیری دقیق این حادثه و حوادث مشابه آن حمایت‌های خود را به صورت پنهانی از این حزب ادامه دادند. گزارش خیلی محرمانه ۲۹ اسفند ۵۷ سفارت امریکا در تهران با عنوان «قیام کردها در سنندج» (که بعدها از اسناد سفارت امریکا در جریان تسخیر لانه جاسوسی به دست آمد) درباره چگونگی و علل وقوع درگیری سنندج می‌نویسد: «حاکمیت دولت در منطقه دوردستی مانند کردستان بسیار ضعیف است؛ سنی‌های ایران کمتر شیفته این انقلاب اصولاً شیعه در ایران هستند. مخالفت قابل توجه در مناطق دیگر هم وجود داشته است.»

نوروز ۵۸

در نوروز ۱۳۵۸ وضعیت سنندج به مرحله‌ای می‌رسد که ساختمان شهربانی و رادیو و تلویزیون به اشغال مهاجمان مسلح در می‌آید و به دستور سرلشکر قرنی عده‌ای از نیروهای مردمی، پاسداران و سربازان از کرمانشاه با بالگرد به داخل پادگان سنندج گسیل می‌شوند تا از سقوط مرکز لشکر ۲۸ کردستان و شهر سنندج به صورت کامل جلوگیری کنند. در این مقطع عملکرد شهید قرنی در برخورد با ضد انقلابیون به گونه‌ای است که تمامی ضد انقلابیون داخلی و خارجی و پشتیبانان آنها در دولت و در تهران با تمام توان علیه ایشان جوسازی و اعمال فشار می‌کنند.

در همین شرایط هیئت بلندپایه‌ای از جانب امام خمینی(ره) مرکب از آقایان طالقانی، بهشتی، صدر حاج سیدجوادی، بنی‌صدر و هاشمی رفسنجانی، وارد سنندج شد و با شورشیان مذاکره کرد. بالاخره در روز دوم فروردین ۵۸ آتش بس اعلام شد. در فردای روز آتش‌بس در اقدام مشکوکی، به دستور نخست‌وزیر مهندس بازرگان، سرلشکر قرنی نخستین رئیس ستاد ارتش از سمت خود برکنار شد.

در ۱۱ و ۱۲ فروردین سال ۵۸ مردم در انتخابات تعیین نوع نظام شرکت کردند و ۹۸ درصد مردم ایران به نظام جمهوری اسلامی رأی آری دادند و این تیر خلاصی بر تمام خیالات دشمنان داخلی و خارجی انقلاب بود. یک روز پس از اعلام جمهوری اسلامی، نیروی هوایی عراق برای نخستین بار به گمرک مهران تجاوز کرد. از این تجاوز رژیم بعث عراق تا حمله سراسری به خاک ایران در ۳۱ شهریور ۵۹، ارتش عراق حدود ۶۳۶ بار به صورت زمینی، هوایی و دریایی به خاک ایران تجاوز داشت.

جنگ در نقده

حزب دموکرات کردستان که خود را حزب قالب در کردستانات می‌دانست تصمیم داشت به بهانه افتتاح دفتر خود در شهر نقده با فراخوانی همه هوادارانش، میتینگ سیاسی نظامی بزرگی در این شهر راه‌اندازی و ضمن تصرف شهر نقده، خودمختاری منطقه کردستانات ایران از دولت مرکزی را رسماً اعلام کند. برای این میتینگ سیاسی جمع کثیری از اهالی نقده، بوکان، مهاباد، سردشت، پیرانشهر، سقز و اشنویه شرکت داشتند. همچنین تمامی عناصر حزب دموکرات کردستان در این تجمع مسلحانه شرکت کرده بودند.

جنگ در نقده از ۳۱ فروردین ۵۸ با تیراندازی‌های مشکوک آغاز شد. در روز اول حدود ۱۰ نفر و در ادامه حدود ۲۰۰ نفر از مردم و عناصر مسلح بومی و غیربومی کشته شدند. نماینده حزب دموکرات کردستان در تهران عاملان اصلی وقوع این درگیری‌ها را عوامل فئودال‌ها دانست که با عناصر ارتجاعی از قبیل پالیزیان و اویسی در ارتباط بودند. در واقعه نقده علاوه بر مردم عادی، نمایندگان بعضی از احزاب کردی کشورهای ترکیه، سوریه و عراق حضور داشتند. جنگ در نقده به مدت چهار روز ادامه یافت که خوشبختانه با مقاومت خودجوش و انقلابی مردان و زنان نقده‌ای و مراکز جمعیتی اطراف (کرد، ترک، شیعه و سنی) و با درایت و مدیریت بی‌نظیر و اقدام به موقع حجت‌الاسلام حسنی نماینده حضرت امام (ره) در آذربایجان شرقی و امام جمعه شهر ارومیه این اقدام دشمنان شکست خورد.

فاجعه مریوان

شهرستان مریوان به دلیل وسعت زیاد، مرزی بودن، دسترسی به استان‌های کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی و... از اهمیت زیادی برای پیاده‌سازی اهداف ضدانقلاب برخوردار بود. مدتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی گروه «چاو» که «شیرین بهاره» (فرزند امام جمعه مریوان) و «فؤاد سلطانی» از مؤسسان آن بودند در این شهر اعلام موجودیت کرد و به طور مخفیانه فعالیت می‌کرد. با ادغام این گروه با چند گروه دیگر، حزب کومله تشکیل شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی گروه فوق از اولین گروه‌های سیاسی چپ در مریوان بود که دست به غارت و خلع سلاح پایگاه نظامی و انتظامی منطقه می‌زد. چریک‌های فدایی خلق مریوان هم که اکثر افراد آن غیربومی بودند در کنار اینها فعالیت می‌کردند.

همزمان جمعی از جوانان شهر مریوان با فعالیت‌های دینی و مذهبی، بخشی از جو شهر را در اختیار داشتند. این جوان‌ها سپاه پاسداران مریوان را در محل کنونی میدان ۲۳ تیر مریوان در ساختمان سابق ساواک راه‌اندازی کردند. فرمانده سپاه مریوان شهید عبدالله طرطوسی تحت حمایت مردم مؤمن و متدین شهر مریوان قرار داشت. این پاسدارهای بومی اولین و مهم‌ترین مانع ضدانقلابیون جهت رسیدن به هدفشان محسوب می‌شدند.

> گروه‌های کمونیستی با محوریت کومله ابتدا حدود ۴۰۰ نفر نیروی مسلح را از شهرهای بوکان، مهاباد، سقز و سنندج به مریوان منتقل کردند و در روز ۲۳ تیرماه به بهانه انجام راهپیمایی در اعتراض به تصمیم دولت مبنی بر عودت زمین‌های کشاورزی به مالکان آنها و پاکسازی صدا و سیما، مردم را از روستاها به شهر کشاندند

گروه‌های کمونیستی با محوریت کومله ابتدا حدود ۴۰۰ نفر نیروی مسلح را از شهرهای بوکان، مهاباد، سقز و سنندج به مریوان منتقل کردند و در روز ۲۳ تیرماه به بهانه انجام راهپیمایی در اعتراض به تصمیم دولت مبنی بر عودت زمین‌های کشاورزی به مالکان آنها و پاکسازی به شهر کشاندند مهاجمان مسلح خانه‌های افرادی را که با آنان همراهی نمی‌کردند غارت می‌کردند و سپس به آتش می‌کشیدند.

با بر هم خوردن کامل اوضاع در ۲۵ مرداد دکتر چمران همراه تیمسار فلاحی و ابوشریف فرمانده عملیاتی سپاه وارد شهر پاوه شدند. دکتر چمران در این شهر ماند و با بسیج همه امکانات و نفرات باقیمانده در محل ژاندارمری پاوه در حالی که در محاصره صددرصد بود، فرماندهی عملیات را برعهده گرفت.

در روز ۲۶ مرداد ماه ضد انقلابیون وارد تنها بیمارستان شهر شدند و به بهانه یافتن پاسداران مجروح، همه کادر اداری، درمانی، مجروحان نظامی، عادی، زن و بچه‌های بی‌گناه را قتل‌عام کردند. این فاجعه بسیار هولناک‌تر از جنایات قبلی این گروه‌ها در نقده و مریوان بود. چند ماشین با بلندگو اعلام می‌کرد هر کس وفاداری خود را به حزب دموکرات اعلام کند درامان است. ما فقط آمده‌ایم پاسداران چمران را سر ببریم. سرانجام هزاران نفر از عناصر حزب دموکرات در کنار عناصر حزب بعث عراق، منافقین، کومله، فداییان خلق و...، این شهر را تصرف و از صبح روز ۲۶ مردادماه حمله مستقیم به محل حضور دکتر چمران را آغاز کردند.

این جنگ از غروب ۲۶ مرداد به صورت دیوار به دیوار و نفر به نفر ادامه یافت. در سحرگاه ۲۷ مرداد فرمان حضرت امام(ره) از رادیو و تلویزیون کشور پخش شد. ابتدا مردم شهر پاوه و سپس گروه‌های ضدانقلاب از آن مطلع شدند. ضدانقلابیون مسلح وحشت زده به جای پیشروی و تصرف کامل ژاندارمری پاوه که فقط چند نفر در آن سالم باقیمانده بودند کم‌کم عقب‌نشینی کردند. از ابتدای طلوع آفتاب جنگنده‌ها و سپس هوانیروز ارتش ایران و از حدود ساعت ۹ صبح روز ۲۷ مرداد سیل عظیمی از نیروهای مردمی و سپاه سواره از کرمانشاه به پاوه رسیدند.

پیام امام(ره) معجزه بود و لبیک مردم، سپاه و ارتش به این پیام موجب شد دیگر شهرهای کردستانات نیز مانند مریوان، بسطام، بانه، سردشت، مهاباد، بوکان و سقز هم از لوث وجود ضدانقلابیون تخلیه و آنان به سمت مرز و داخل خاک عراق متواری شوند. این آرامش و امنیت حدود یک‌ماه بر تمام شهرهای کردستان حاکم بود. در این مدت دولت بازرگان به‌صورت مخفیانه با سران ضدانقلاب ارتباط و مذاکره داشت.

این آرامش پایان مرحله اول بحران کردستان بود. لیکن با خبط و حماقت و سوءتدبیر دولت موقت مجدداً ضدانقلابیون احیا و از آن سوی مرزها و کوه‌ها وارد شهرهای کردستانات شدند و اینچنین مرحله دوم بحران در کردستان آغاز شد. با خارج شدن پاسداران و حاکمیت دوباره این احزاب، مجدداً بحث خودمختاری و استقلال کردستان و تشکیل دولت‌های قومی در سراسر ایران مطرح و جنگ داخلی، حمله به پادگان‌ها و اماکن دولتی و... آغاز شد.

در این مرحله حجم گستاخی، سبوعیت، جنایات و به خصوص اعمال محدودیت و خشونت ضدانقلابیون در شهرها و روستاها به حدی بود که عملاً زندگی برای مردم مختل شده بود. مردمی که مایل به همکاری و پشتیبانی مادی و غیرمادی از این گروه‌ها نبودند نمی‌توانستند در کردستانات زندگی کنند، لذا مجبور به مهاجرت شدند. بدین طریق مرحله دوم بحران در کردستانات نهادینه شد که کم و بیش تا امروز ادامه دارد.

یادکرد

مروری بر زندگی شهید صحرایی سوری که ۲۸ مرداد ۶۰ آسمانی شد

مجهز به سلاح ایمان به میدان جهاد می‌روم

علیرضا سجادی فر

شهید صحرایی سوری در سال ۱۳۳۹ در خانواده‌ای پرجمعیت اما باصفا و معنوی در شهرستان نهاوند متولد شد. شهید در دامان پدر و مادری عاشق اهل بیت پرورش یافت و خانواده‌اش با وجود همه کمبودهای مادی در تربیت فرزندانشان به معنویت و عشق به ائمه و معصومین لحظه‌ای درنگ نکردند و از همان کودکی آنها را به سوی قرآن رهنمون کردند. در سال ۱۳۴۰ خانواده سوری به دلیل کمبود امکانات به تهران مهاجرت می‌کنند. شهید صحرایی دوران ابتدایی و هنرستان را در محله نازی آباد می‌گذراند

> بخشی از وصیتنامه شهید: خداوندا! مؤمنان از هر سو هجرت را آغاز کردند. با سلاحی که تو برایشان قرار دادی که همانا ایمان، جهاد و شهادت است که برنده‌ترین سلاح‌هاست. من مجهز به این سلاح‌ها به سوی میدان می‌شتابم

و با پیروزی انقلاب گویی گمشده‌اش را پیدا کرده بود، خود را وقف آرمان‌های آن می‌کند و برای بارور شدن نهال انقلاب تا پای جان در راهش فداکاری می‌نماید.

شهید در سال ۱۳۵۸ به دنبال تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عضویت آن درمی‌آید. بلافاصله با شروع غائله کردستان راهی این منطقه می‌شود. صحرایی در مقابله با گروه‌های ضد انقلاب در پاوه و دیگر نقاط کردستان خاطراتی به یادماندنی از خود برجا می‌گذارد. با شروع جنگ تحمیلی به کمک سایر رزمندگان در جنوب و غرب کشور می‌شتابد و سرانجام در بیست‌وهشتم مرداد سال ۱۳۶۰ در کربلای بازی‌دراز به شهادت می‌رسد.

«خداوندا! مؤمنان از هر سو هجرت را آغاز کردند. با سلاحی که تو برایشان قرار دادی که همانا ایمان، جهاد و شهادت است که برنده‌ترین سلاح‌هاست. من مجهز به این سلاح‌ها به سوی میدان می‌شتابم؛ میدانی که در یکسو حسینیان برای برافراشتن پرچم خونین آن حضرت و برای به اهتزاز درآوردن پرچم لااله الا الله آماده فداکاری و نثار خون خود برای پاسداری از دین و مرام سید و سالار شهیدان هستند و در سوی دیگر دشمن کافر با سلاح ظلم، بیداد، تجاوز و غارت آمده است. اما خون سرخ حسینیان آنچنان کوبنده است که دیوار کفر را از میان بر می‌دارد و به مسیر خودش که کربلای حسینی است می‌رود و از کربلای حسین به بیت‌المقدس و از بیت‌المقدس به مکه جایگاه ابراهیم بت‌شکن می‌رود تا شعار وحدت سر دهد تا مظلومان را از زیر یوغ استعمار و استبداد برهاند و پیام رهایی‌بخش اسلام را جایگزین شعارهای توخالی آنان کند.»

اینها بخشی از وصیتنامه آن شهید سرافراز است. با نگاهی به مضمون نوشته‌های شهدا در می‌یابیم که آنان با بصیرت مثال زدنی‌شان ره صد ساله را یک شبه پیمودند و به بهترین گنج که همان سعادت اخروی است، دست یافتند. آری نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود و آنان برای اینکه به سعادت که همان گنج است برسند، قله‌های سر به فلک کشیده کردستان و دشت‌های سوزان جنوب را پیمودند و با یک دست قرآن و با دست دیگر سلاح ایستادگی کردند و خودشان از نفس افتادند تا ما از نفس نیفتیم و بر ماست که دنباله‌رو راه پرسعادت آنان باشیم.

قاب ماندگار

دکتر چمران از ارکان نبرد با ضدانقلاب در کردستان بود

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۴۵۱

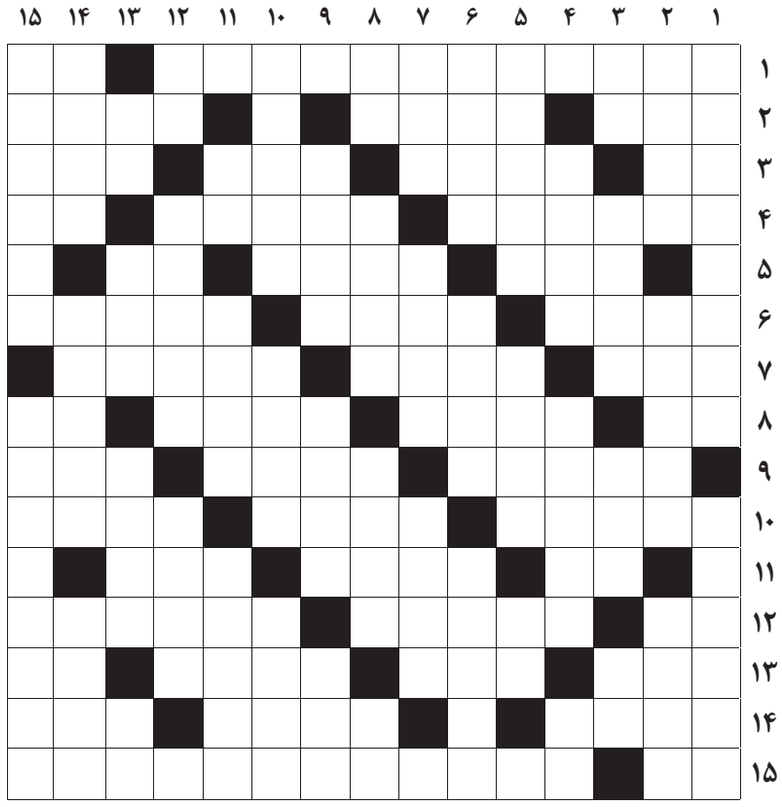

از راست به چپ

■۱- اثر بلاسکو ایبانز، از بزرگ‌ترین نویسندگان قرن بیستم اسپانیا- کم آذری ■۲- رود مدرک- میوه موکتی- وسیله برش پارچه ■۳- برجستگی لاستیک- راحت- تابه نان‌پزی- میانه بدن ■۴- پدر سام- لوکس- به دنیا آوردن ■۵- بندگاه ساعد و بازو- هدف و مقصود- از مصالح ساختمانی ■۶- نوعی شیرینی- سبزی معطر- شهر محل ترور کندی ■۷- میانه برنامه- تالار- ساز زهی شبیه سنتور ■۸- نماد لاغری- رودی که از رم ایتالیا می‌گذرد- زاویه شصت درجه- بند تنبان ■۹- ریزهٔ چوب و علف و کاه- سوغاتی تبریز- بلندترین استخوان بدن ■۱۰- ناخالص- مجلسی در انگلیس- خانه ساحلی ■۱۱- او- همدم- نوعی آچار ■۱۲- جوی خون- سرنوشته- فیلمی به کارگردانی اصغر هاشمی ■۱۳- سارق- کنیه- بزدل- مادر لر ■۱۴- شهری در گیلان- روز آینده- امت‌ها ■۱۵- ماه شاعرانه- نویسنده انگلیسی مولف «ربه‌کا»

از بالا به پایین

■۱- مرکز پاراگوئه- کلیسای تاریخی پاریس ■۲- تفنگدار سواره- زن عزیز مصر- پاسبان دوره قاجار ■۳- همراه خورد- قوه حافظه- نوشابه قدیمی- سرای مهر ■۴- مربی جدید آرسنال- شریعت آوردن- محکم کردن ■۵- مساوی- بالاترین رنگ- دختر کارتونی ■۶- ظرف مسی بزرگ- شماره بین‌المللی کتاب- املاک و اموالی که برای کارهای خیر اختصاص می‌یابد ■۷- رهبر کره شمالی- مهاجم ملی و بایرن مونیخ آلمان- میوه‌ای با خواص دارویی ■۸- همسایه قدیمی تهران- علامت صفت عالی- جدید- پاروی قایقرانی ■۹- لقب ششمین معصوم- پنجگانه بدن- نرم و شکننده ■۱۰- مطابق مد و رسم حاضر- جانوری گوشتخوار شبیه سمور- غذای مغز ■۱۱- پوشاک چهارپا- ثروتمند- از اسامی پسران به معنی نیرومند ■۱۲- سفید آذری- یکتا- شرکت سوئدی سازنده خودروهای سنگین ■۱۳- سرسلسله اعداد- برنج پخته و آبکش‌شده- زمین ورزش بوکس- پسوند خریدار ■۱۴- حالت مهره‌ای در شطرنج است که اگر حرکت داده شود شاه کیش می‌شود- گوش‌به‌زنگ- بشر ■۱۵- فتوکپی خشک- ورقه هویت

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۴	۷			۹	۸		
					۱			
		۳				۶		
	۷		۳	۲				۴
۸	۲							
				۴	۵			۲
	۹		۲				۶	
۵			۹				۱	
۴	۸						۳	

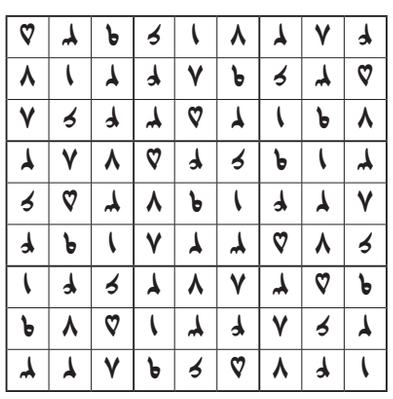

جدول کلمات متقاطع
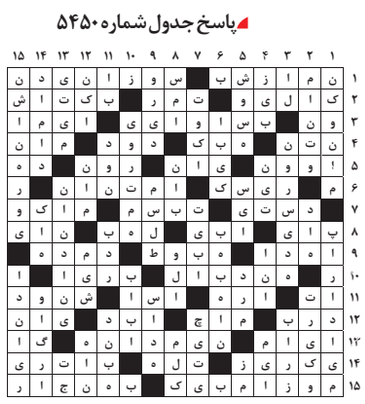
پاسخ جدول شماره ۵۴۵۰